

## کار هر بز نیست خرمن کوفتن!

«چنان رونق اقتصادی ایجاد می‌کنم که مردم به یارانه نیاز نداشته باشند»  
۶/خرداد/۹۶ - حسن روحانی  
شاید در نگاه اول بنظر بیاید که این جمله رئیس جمهور خنده دار است و وعده‌ی پوچی بیش نبوده، در صورتی که تنها خدا میداند که حسن روحانی چندسال تلاش کرد تا به این شعار جامعه عمل ببوشاند. ایشان پس از ۷سال تلاش شبانه روزی توانستند چنان وضعیت اقتصادی کشور را دگرگون کنند که مردم نیازی به یارانه نداشته باشند، به این صورت که وزیر کابینه ایشان وعده های غذایی مردم را میشمارند توصیه خوردن یک وعده غذا را به مردم میکنند، صرفاً برای دور شدن از جامعه مصرفی، در صورتی که هزینه یک وعده غذایی یک خانواده چهار نفره (صرف نظر از غذای های گران قیمت که با گوشت تهیه میشود)، بالاتر از ۲۶۰هزار تومان است، و اینجاست که رئیس جمهور ثابت میکند، هیچ وعده پوچ و توخالی نمی‌دهد. از دیگر تفاضلات رئیس جمهور میتوان به داشتن برنامه برای حل مشکلات اقتصادی به صورت یک‌ماهه، سه‌ماهه، یک‌ساله و چهارساله، اشاره کرد. که این وعده ایشان هم عملی شد و بعد از چهار سال هیچ مشکل اقتصادی باقی نماند، به این صورت که دیگر اقتصادی باقی نماند. گناه، خط قرمز آقای روحانی است. ایشان وعده دادن و عمل نکردن به آن را گناهی بزرگ میدانند. همچنین اگر نتوانستند به وعده ها عمل کنند، با مردم مطرح میکنند و از ایشان همفکری میخواهند.

اما اکنون که در روزهای پایانی آخرین سال ریاست جمهوری روحانی به سر می‌بریم، شاهد افسارگسیختگی تورم هستیم، شاهد بی ارزش شدن یارانه ای هستیم که مجرای زندگی خیل عظیمی از مردمان سیستان و جنوب کشور است.

خرداد سال ۹۲ قسم جلاله می‌خوردند که اگر مشکلات راه حلی نداشت کاندید نمی‌شدند و امان از شعار های بی محتوا، و اما الان شاهد این هستیم که این شعار حقیقت داشت، هر مشکلی راه حلی دارد، اما آن راه حل را هرکسی نمی‌داند.  
معصومه کرمی



## ای درین خوابگه بی خبران بی خبر خفته چو کوران و کران

فعالیت های مجازی اخیر با عنوان اعدام نکنید

سرانجام چکمه‌های متجدد  
روایت اشغال تهران  
توسط متفقین

در حصر پیرسالان  
باید های جوانگرایی در بدنه  
مدیریت کشور

فراخوان آزمون جامع  
ریاست جمهوری  
نقدی بر طرح اصلاح قانون انتخابات

حقوق ضد بشر  
پررنگ شدن قدیس سازی از زندانیان  
اعدامی در شبکه های اجتماعی

# فراخوان آزمون جامع ریاست جمهوری

## نقدی بر طرح اصلاح قانون انتخابات

### مرضیه انبری

کандیداهای برنامه مکتوب اجرایی و ابعاد ایدئولوژیک سیاست های مدنظر خود را در رسانه های رسمی و مشخص در دسترس مردم قرار دهند تا شاهد کاندیداهای دقیقه نودی و احساس تکلیف های بعد از چرت بعد از ظهر نباشیم. و شورای

یک کاندیدا درخواست شود باند بازی و نگاه های کاملاً جناحی که مخالف سیاست های کلی رهبری پیرامون بحث انتخابات است مشاهده می شود و پارگیری های انتخاباتی مدت ها قبل از تشکیل دولت جدید به صورت علنی فضای ستیز سیاسی

حقوقی میکشاند. در مواد دیگر که مربوط به ابعاد دیگر و بعد سیاسی طرح مذکور هستند نیز عنوان شده است که کاندیدا باید مدرک کارشناسی ارشد و حداقل سن چهل سال را داشته باشد و این در حالی است که بهتر بود گذراندن یک

در حالی که طی سال های گذشته اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری یکی از خواسته های عموم مردم بوده است تا بیش از این شاهد معرکه گیری های مضحک ظریفان در خیابان فاطمی و وزارت کشور نباشیم این بار نمایندگان

نگهبان نیز به عنوان نهادی که فیلتر انتخابات را به عهده دارد بر کارنامه ای افراد در مسئولیت های سابق یا فعلی آن ها تعمق کند و دستاوردها و خسارت ها و مقبولیت عمومی و قضاوت مردم درباره کارهایی که انجام شده و سیاست هایی که وی اعمال کرده است مدنظر قرار بگیرد. تا شکست خوردگان عرصه مدیریت به بهانه ای وقت نداشتیم و دور بعد جبران می کنیم میدانی برای عرضه اندام دوباره نداشته باشند و رجال سیاسی کشور هر کدام در دوران مدیریت خود بدانند که تنها یک تیر در ترکش دارند. بدین ترتیب مسئولیت آتی غیر مشخص رئیس جمهور نیز به عهده شورای نگهبان نیست بلکه



مجلس با ارائه ی یک طرح محیرالعقول اسباب پیچیده تر شدن کار انتخابات را در صورت تصویب این طرح مهیا کردند! لایحه اصلاح قانون انتخابات با هدف گزینش کاندیداهای صالح تر و نهایتاً نیل به کاندیدای اصلح توسط جمعی از نمایندگان در حال رایزنی و رسیدن به صحن علنی مجلس است. اما گنجانیدن موارد غالباً کیفی در این لایحه انتقاداتی را به همراه داشته است. قانون مذکور میگوید کاندیدا باید نگاه به داخل داشته باشد، استقلال فکری داشته باشد و مشورت پذیر باشد، اهل سعه صدر باشد، آرمان خواه باشد و واقعیت ها را هم ببیند، تحلیل درست از شرایط داشته باشد، ساده زیست باشد و اهل اشرافیگری نباشد و ...!

اعضا بر طبق سابقه ی خوب فرد او را تایید صلاحیت کرده اند. پس با لحاظ کردن این موارد کمی، بجای کلی گویی ها و سپردن ارزیابی کارنامه افراد به شورای نگهبان بجای سپردن ارزیابی های بالقوه به شورای نگهبان میتوان انتظار داشت طیف جدید و تواناتری از رجال سیاسی جرات پارک کردن ماشین های خود در خیابان فاطمی داشته باشند.

را فراهم می آورد و هر که بامش بیش برفش بیش! بهتر می نماید که بجای موهومات غیر قابل قضاوت و سپردن دوباره صلاحیت کاندیداهای به نظر جمع اعضای شورای نگهبان ملاک ها و معیارهای مردمی تری وضع شود تا مثل قصه ی رییس جمهور فعلی کاندیدایی طبق توصیه ی یکی از اعضا در جمع رقابلی که قرار است سرنوشت یک دهه ملت را تعیین کنند قرار نگیرد. به همین منظور بهتر است تعیین شود که

دوره مسئولیت اجرایی یا امنیتی یا مدیریتی و ... به عنوان پیشنیاز کاندیدای ریاست جمهوری مطرح شود نه یک عدد معین که انتظار می رود فلاتی تا چهل سالگی حتماً مسئولیت مهمی را سپری کرده است که جای بحث در آن بسیار زیاد است از سوی دیگر نیز این طرح میتواند قبضه گاه کاندیداهای مستقل که وامدار جناحین چپ و راست نیستند باشد. وقتی که از کاندیدای ریاست جمهور تاییدیه کتبی پنج مشاور بالقوه و هر مشاور فقط برای

این ها چند مورد از مسائل کیفی بود که در مواد طرح مذکور بدان ها اشاره شده است و واضح است که متر و معیاری برای سنجش آن ها وجود ندارد و در کنار این موارد گزاره های دینی همچون توانایی کاندیدا در حل شبهات دینی در حد اثبات دین و تشیع نیز مطرح شده است. این موارد را گمان نمی کنیم که از طریقی جز اخذ آزمون از تمام کاندیداهای بتوان در موردشان قضاوت کرد. و این مسئله شورای نگهبان را فراتر از حد کنونی به جایگاه اعمال

# ای درین خوابگه بی خبران بی خبر خفته چو کوران و کران

فعالیت های مجازی اخیر با عنوان اعدام نکنید

مهديه دیداری



نکنند. حال این سوال پیش می آید که آیا خانواده شهیدان و مقتول ها داغدار نمی شوند؟ فرزندان و همسران و والدین آنها داغدار نمی شوند؟

مردم، سیاستمداران و ورزشکاران خارجی که دلسوز همیشگی مردم ایران هستند از این هشتک حمایت کردند. روحیه پاک و جوانمردانه کشتی گیران و ورزشکاران خارجی که همیشه برای مرگ تک تک اسطوره های ورزشی ایران تاسف می خوردند این بار هم برای حکم اعدام یک قاتل که به قتل خود هم اعتراف کرده غصه خوردند و از هشتک ها حمایت کردند.

همیشه در تمام دوره ها و نسل های گذشته گروه هایی بودند که به نفع و یا ضرر یک گروه یا یک شخص شایعه پراکنی میکردند و حتی موجبات مرگ انسانها را هم فراهم میکردند. همیشه مردمانی زود باور هم بودند و هستند و خواهند بود که چشم بسته تمام شنیده ها دیده ها را می پذیرفتند و با این گروه ها همکاری میکردند. همواره در تاریخ انسان های بیگناه بخاطر حمایت بی خبران کشته شدند و انسان های شیطان صفت نجات پیدا کردند.

امید است تا زمانی برسد که مردم قبل از اینکه قضاوت کنند به عقبه یک اتفاق بیاورند تا هیچگاه و هیچ کس باعث مرگ بیگناهان و نجات شیاطین نشود.

عده ای از افراد معترض که تحت تاثیر دستور کار گروه های برانداز (کشتن نیرو های امنیتی) بودند، او را به عنوان یک نیروی امنیتی و دشمن تشخیص دادند و ایشان را تعقیب می کنند. طبق دستور کار گروه های برانداز و کینه ای که از نظامیان داشتند، آن مأمور را، نزدیک به خانه اش، به قصد کشتن آسیب می رساند و آن مأمور جلوی چشم عزیزانش به شهادت میرسد. نوید افکاری و همدستانش که به ضرب چاقو شهید حسن ترکمان را به شهادت میرساند توسط فیلمی که از دوربین های مدار بسته گرفته شده بود متهم شناخته شده و دستگیر شده بود. پرونده او بخاطر مراحل متعدد دوسال به طول انجامید. و کیل او مهدی محمدیان چندی پیش در تویتر نوشت که نتوانستند از خانواده مقتول رضایت بگیرند، تحلیل و کیل در گرفتن رضایت طی این دوسال نیز جای شگفتی دارد! و حالا معاندین که گزینه مناسب خود را انتخاب کردند شروع به داستان سازی کردند که یک کشتی گیر جوانمرد به صورت شانسسی از میان معترضین انتخاب شده و دستگیر شده است و حالا حکم اعدام را برای او زده اند و حالا هشتک نوید را اعدام نکنید، اعدام نکنید... توسط دلسوزان همیشگی تبهکاران زده میشود؛ بهانه دلسوزی آنها هم داغدار شدن خانواده متهم است که بخاطر آنها متهم را اعدام

در چند سال اخیر از سوی دشمنان و همیاران داخلی آنها مسئله حذف اعدام از میان مجازات و بیان نقصان قوه قضائیه مطرح شده است تا بتوانند از سیستم قضایی مشروعیت زدایی کنند. برای این کار ابتدا یک بت و سمبل پاکی و نیکی از مجرمان و قاتلان میسازند و سپس مقتول را یک دیو معرفی میکنند.

نمونه این داستان ماجرای سرقت مسلحانه سه نفر از اشرار و سارقین مسلح است که در حال سرقت از یک خانم دستگیر شدند. این سه نفر اعمال شرورانه ای انجام میدادند و اعمال خود فیلم تهیه میکردند و برای خبرگزاری های معاند میفرستادند.

بعد از اعلام حکم اعدام آنها جگر رسانه های خارج از کشور و سلبریتی ها شروع به سوزش می کند و شروع به ترند کردن هشتک اعدام نکنید می کنند اما به چه عنوانی؟ به عنوان اینکه این سه نفر جزو کسانی بودند که در اعتراضات آبان شرکت کردند و حالا به جرم اعتراض قرار است بالای دار بروند. به رسم همیشگی مردم نیز بدون مطالعه و دانستن علت اصلی و یا حتی پیگیری درباره ی این مطلب شروع میکنند به زدن هشتک اعدام نکنید.

مرداد ماه سال ۱۳۹۷ در شبی که در شیراز تجمعاتی شکل گرفته بود، مأمور حراست سازمان آبفای شیراز در حال انجام مأموریت خود بود،

در طول تاریخ مردم همیشه پیرو یک رهبر و یا یک گروه خاص بودند که اعتماد قلبی و یک نوع احساس اتکا به آنها داشته باشند. سلبریتی ها و رسانه های لاکچری غربی از این دسته از گروه ها هستند. چرا که همیشه جلوی چشم مردم هستند و این ارتباط باعث ایجاد یک رشته باریک اعتماد و صمیمیت بین مردم و آنها میشود. این فرصت بسیار خوبی برای اجرای اهداف تخریبگرانه آنهاست. امروزه بسیاری از افراد سراسر جهان از فضای مجازی استفاده میکنند، فضایی که به دلیل فراگیر بودن آن میتوان هر حقیقت و شایعه ای را در عرض چند ثانیه منتشر کرد. وجود همچنین فضایی به افرادی همچون سلبریتی ها و سروران پشت پرده آنها این امکان را می دهد که اطلاعات خود را با سریعترین سرعت ممکن با مردم به اشتراک بگذارند. البته سلبریتی ها بعضا حیات مجازی ندارند و فقط در صورتی که از سروران خود دستور بگیرند و یا به نفع آنها باشد، مطلبی را منتشر میکنند ( البته آن طفل معصوم ها گناهان ندارند بالاخره پاسپورت و اقامتشان دچار مشکل می شود مجبورند دیگران).

نمونه های بسیاری از این هشتک پراکنی ها و حمایتگری های مسخره و هدفمند سلبریتی ها وجود دارد و یکی از مهمترین آنها هشتک اعدام نکنید است.

## در حصر پیر سالان

بایدهای جوانگرایی در بدنه مدیریت کشور

زهرا جوان

ستش بود، ایشان که خیلی جوان نبود؛ اگر ده سال دیگر هم زنده می ماند و بنده زنده می ماندم و بنا بود که من مشخص بکنم، او را در همین جا نگه می داشتیم، یعنی کنار نمی گذاشتیم او را که جوان هم نبود. بنابراین بعضی اوقات افرادی که در سنین جوانی هم نیستند، کارهای جوانانه خوبی را می توانند انجام بدهند».

در سال های گذشته اگر چه تصویب قانون منع به کارگیری بازنشستگان نقطه امیددی است در این بحث، اما بلاشک با وضع قانون صرف نمی توان به مسئله جوانگرایی، جامه عمل پوشاند و قطعاً تلاش های جدی تری باید تا جوانگرایی از حرکتی صوری و تئوری به یک نهضت محتوایی و عملی تبدیل شود. انتظار است پیرسالان دلبسته بر مسند، برای یک بار هم که شده پیش از آنکه قابض الارواح حکم بازنشستگی آنان را مهر کند، جهت امتناع ورزند؛ چراکه بی اعتمادی نسبت به نیروی جوان سبب فاجعه ای خواهد شد که کشور را با خلأ مدیران متخصص اما ناتوان در عرصه مدیریتی مواجه خواهد ساخت.

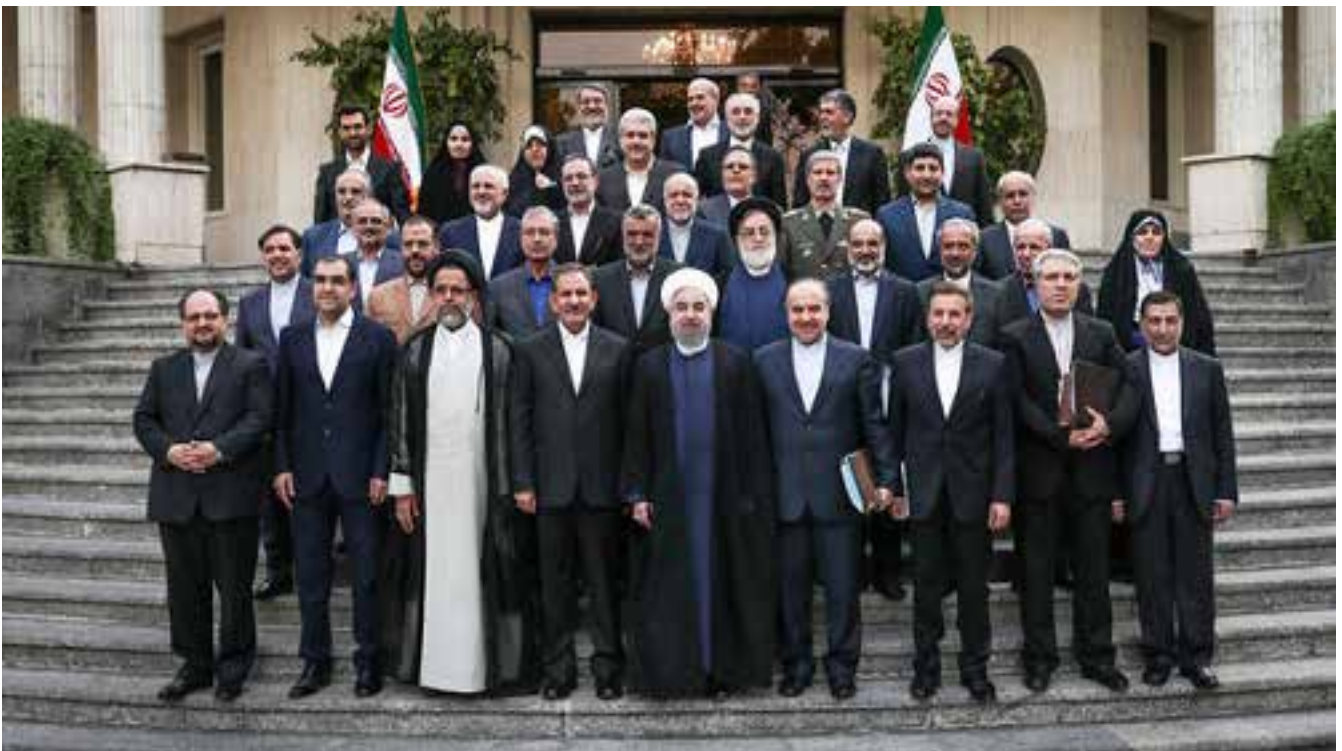
است که می تواند نقطه آغاز تحولات و تغییردهنده ساختارهای محافظه کارانه مدیران در راه مانده شوند. تحولاتی که پیشران آن جوانان و مشاوران آن مدیران باتجربه ی خسته از کارزار است. امروز جای خالی یک دیده بان جوانگرایی در کشور احساس می شود. دیده بانی که وظیفه اش گسترش جوانگرایی مبتنی بر فرآیند و مکانیزمی منطقی است. مکانیزمی که بر مبنای مدیریت نیروی جوان شایسته و مشورت نیروی باتجربه عمل می کند. بنابراین ظرفیت جوان، گنجینه ارزشمندی است که نه تنها در سطوح خرد بلکه در سطح کلان جامعه نیز باید مورد توجه قرار گیرد. هر چند آنچه در مسئله جوانگرایی بیان می گردد نه به معنای پیرزدایی و نگاه ابزاری به مقوله کم سن بودن بلکه به معنای استفاده از روحیه جوانی، نیروی کارآمد، آماده و میدان دار است. «دولت جوان، [یعنی] یک دولت سر پا و بانشاط و آماده ای که در سنینی باشد که بتواند تلاش کند و کار بکند و خسته و از کارافتاده نباشد؛ منظور این است. بعضی ها تا سنین بالا هم به یک معنا جوانند. شهید سلیمانی، شصت و چند سال

آن می شود کم بازده، کند و بدون انعطاف شدن دستگاه مدیریتی کشور به علت مدیران سالخورده و خسته و جوانان پشت در مانده، و البته گاه ها استفاده ابزاری و حمایت های شعاری از جوانان در مناسبت های خاص؛ آنگاه که بازار وعده و وعید ها برای گرفتن گوی سبقت از رقیب و کسب چند تعرفه بیشتر داغ است. امروز احزاب پیش و بیش از آنکه کارکردی تشکیلاتی داشته و بستری شوند برای آزمون و خطا و کسب تجربه نیروی جوان، به نوعی تشریفات بدل شده اند که جهت خالی نبودن عریضه، در فضای سیاسی کشور عرض اندام می کنند. جامعه ایران، امروز نیازمند عبور از مجموعه پیر و کم تحرک به سمت جریانی پرتوان و متعهد است تا به عرصه خدمت پا بگذارند. جریانی که شامل نیروهایی خلاق، برخوردار از دانش روز، توانمند، جسور و دارای روحیه ای ریسک پذیر است. راهی را که جمهوری اسلامی در پی دارد دراز است و صعب، بنابراین برای پیمودن این راه قطعاً نیازمند افرادی خستگی ناپذیر، پرتحرک، بانشاط و متعهد است.

روحیه جوان همان عامل استحکام درونی و نیرو محرکه ای

نظام جمهوری اسلامی نظامی است مردم سالار و یکی از شاخصه های مردم سالاری، قرار گرفتن نخبگان در چرخه مدیریتی کشور است. این مهم به معنای توجه به جایجایی قدرت و جلوگیری از فرسودگی، تکرار و تجمع قدرت در بخش مدیریتی و مینا قرار دادن شایسته سالاری است.

طی سال های گذشته اگر چه شعارگرایی بسیار بوده و در ظاهر به سمت جوانگرایی پیش رفته ایم اما آنچه در باطن بدان عمل شده علیه ماهیت جوانگرایی بوده است. در آنچه بر جمهوری اسلامی گذشت، به جای ورود جوانان متخصص و متعهد به عرصه مدیریتی کشور، شاهد جایجا شدن مناصب بین بخش قابل توجهی از نسل اولی های انقلاب بوده ایم. برخی نسل اولی هایی که گاه ها مسئولیت های محوله را نه یک امانت، بلکه طعمه ای دیده اند برای شکار بیشتر. کسانی که جوانگرایی را در خویشاوندسالاری خلاصه کرده و به شکل قبیله ای آن را اجرا نمودند و اگر خود از حلقه بسته مدیریتی دور افتادند، ژن های خوب را وارد گود کردند تا نباشد روزی که از خدمت به خلق بازمانند! انحصارطلبی و خودخواهی که نتیجه



## حقوق ضد بشر

پررنگ شدن قدیس سازی از زندانیان اعدامی در شبکه‌های اجتماعی

مهديه اسدالهي



نامنی را پاشنه اشیلی می‌داند تا تسلط خود را بر منطقه واقع سازد. و از رسانه به عنوان ابزاری برای هدایت افکار عموم و انحراف واقعیت نهایت استفاده را می‌برد. اما در این میان در میدان دشمن بازی کردن هم نوبر است و البته فراهم کردن ورود عامه در این گود در دست دولتی است که چنان تظاهر می‌کند فضا را نمی‌شناسد و فهم صحیحی از جریان‌های رسانه‌ای و انحراف واقعیات ندارد که طی اقدامی نابخردانه شرایط را برای ورود به میدان دشمن مهیا می‌سازد. در این میان که با سواستفاده از احساسات مردم حق و باطل را بهم آمیختند و گرگ را در چهره بره‌ای قالب کردند روشننگری مجدد نوشدارو بعد از مرگ سهراب است!

مشخص شده است. البته بخشی از این حکم قرانی، توصیه به عفو و بخشش می‌باشد و اعدام قاتل امری واجب نیست بلکه حقی است که خداوند برای اولیای مقتول قرار داده بنابراین قصاص و عفو یک مجموعه عادلانه است. و ما نمیتوانیم حکم اعدام را به کلی محکوم کنیم. امنیت ضامن حفظ و بقای جامعه و خط قرمز هر کشوری است و برای حفظ این مولفه اثر گذار وجود قوانین بازدارنده‌ای لازم است. نظام سلطه که با سر دادن شعارهای انسان‌دوستانه و در عین حال با به جان هم انداختن کشورها و رساندن تسلیحات نظامی به آنها، جز در راستای منافع خویش عمل نمی‌کند. از مجازات کسانی ابراز نگرانی می‌کند که میان چند هزار معترض مُحق، اقدام به سرقت مسلحانه کرده و در حین ربودن اموال یک خانم با سلاح سرد دستگیر شده بودند. زیرا

دوستانه دردنیای کنونی که کشت و کشتار در آن بعضا امری عادی تلقی می‌گردد ظلم به جامعه بشری است. که خونخواهی مظلوم از ظالم را خشونت امیز بدانیم. از طرفی اگر حکم اعدام، قتل در برابر قتل و نقض قوانین حقوق بشر و همواره نا پسند تلقی گردد آیا میتوان با تصور اصلاح متجاوززی که به قصد تعرض و قتل وارد حریم ما میشود و از خود دفاع نکنیم؟! و یا با تخفیف حکم اعدام به حبس ابد، اینکه فرد در زندان اقدام به قتل نمیکند را تضمین کنیم؟ و هزینه بیت المال را صرف کسانی کنیم که از هیچگونه جنایتی ابایی ندارند؟! مطابق ایات قران کشتن یک انسان برابر با کشتن همه‌ی انسان‌ها است (مأئده ۳۲) و موضوع حیات انسان‌ها تا حدی دارای اهمیت است که برای قتل غیر عمد نیز دیه و کفاره

اسلام، خواستار زندگی شرفتمندانه برای انسان از بعد روحی و جسمی است و از هر گونه عملی که شخص و شخصیت انسانی او را تهدید کند به شدت نهی نموده و به همان اندازه که برای حیات جسمانی فرد ارزش قائل شده. از هر گونه رفتاری (تمسخر، عیب جویی، غیبت و...) که به شخصیت افراد صدمه وارد می‌کند نیز منع کرده است. نظام حقوقی دین بر اساسی است که تا قبل از وقوع جرائم انسان‌ها را در مسیر رشد و تعالی انسانی پرورش دهد. و بخشی از این اصلاح اجتماعی در چارچوب قوانین بازدارنده قرار می‌گیرند و در صورتی ما میتوانیم درباره کاهش شدت این قوانین صحبت کنیم که جوامع به آن بلوغ و رشد لازم رسیده باشند. که البته چنین جامعه‌ای با دنیای امروزی ما تفاوت فاحشی دارد و لغو حکم اعدام با شعارهای انسان

## سرانجام چکمه‌های متجدد

روایت اشغال تهران توسط متفقین

زهرا نورزاده



اواخر حکومت قاجار با بی‌نظمی و هرج مرج در کشور همراه بود. رضا خان با کمک و همراهی انگلیسی‌ها و نیروهای داخلی تهران را تصرف کرد و در این زمان با هر گونه مخالفتی برخورد کرده و برخی از نیروهای گریز از مرکز و همچنین جنبش‌ها را سرکوب نمود. رضاخان پس از تصرف تهران و در سال ۱۳۰۲ به نخست وزیری رسید و عنوان فرمانده کل قوای احمد شاه را به دست آورد.

داشتن حمایت انگلیس و تلاش‌هایی که در جهت حفظ امنیت و برقراری نظم انجام داده بود و ثباتی که در آن زمان حاکم بود و سرکوب مخالفین، و جلب نظر و رضایت مردم باعث شد او به هدفش که رسیدن به سلطنت باشد، نزدیک‌تر شود! در ۲۶ آذر ۱۳۰۴ پس از انقراض سلطنت ۱۳۱ ساله قاجار و سلطنت به سلسله پهلوی منتقل شد و رضاخان سردار سپه به سلطنت برگزیده شد. رضاخان در اوایل قدرت با روسیه کمونیستی روابط خوبی داشت ولی پس از واقعه تیمورتاش این روابط تیره گشت. تیمورتاش وزیر دربار رضاشاه بود و با دسیسه‌های درباریان و بهانه‌های واهی مختلف از جمله اینکه او با کشورهای خارجی از جمله روسیه مرادودی بسیار دارد زندانی شد و به قتل رسید! در زمان اوج قدرت نازی‌ها در آلمان



محمدعلی فروغی شد که در بین انگلیسی‌ها از قدرت و نفوذ زیادی برخوردار بود. فروغی به رضاشاه دو توصیه مهم کرد: اول اینکه دستور آتش بس بدهد تا روس‌ها وارد تهران نشوند و اگر وارد شوند تو را به اسارت می‌گیرند و دوم این است که راهی به جز ترک ایران نداری.

رضاشاه گفت به یک شرط قبول میکنم و آن هم این است که تضمین بدهی سلسله‌ی پهلوی به دست محمدرضا ادامه پیدا خواهد کرد.

رضاشاه هر طور که شده اطمینان نسبی راجع به این قضیه از فروغی گرفت و در ۵ شهریور دستور عدم مقاومت در برابر نیروهای متفقین رو اعلام کرد و تهران ظرف یک روز اشغال شد. در ۲۵ شهریور هم استعفانامه‌ای امضا کرد و در مراسمی در کاخ مرمر سلطنت را به علت پیروی و فرسودگی به محمدرضا واگذار کرد و بعد به سمت اصفهان حرکت کرد و بعد از همراه شدن همسر و چند تن از فرزندان سوار کشتی شد و به سمت مقصد اولیه که هندوستان بود راهی گشت. میانه‌ی راه به او می‌گویند که دستور آمده او را به جزیره‌ی نا آشنای موریس تبعید کنند و بعد از مدتی از موریس به ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی انتقال پیدا کرد و چند سال بعد در همان جا فوت کرد.

در همه‌ی ادوار کشورهای غربی از جمله انگلیس و آمریکا ثابت کرده‌اند که برقراری روابط با آن‌ها بهای سنگینی دارد؛ باید اجازه بدهیم مال، جان، ناموسمان را به راحتی غارت کنند و تحت سلطه بگیرند و اگر غیر از این باشد دشمن شناخته می‌شویم و از تمام امکانات موجود استفاده می‌کنند تا ما را از بین ببرند. در سال ۱۳۲۰ در خیابان امیرآباد باشگاهی وجود داشت که آمریکایی‌ها آن را به مرکز فحشا تبدیل کرده بودند. کامیون‌های آمریکایی به مرکز شهر می‌آمدند و دخترها را جمع می‌کردند و به باشگاه می‌بردند و به جای پول بسته‌های غذایی به آن‌ها می‌دادند. عجیب است که با وجود تاریخی که در پس سال‌های عمرمان است و تنها کفایت سرمان را بر گردانیم و آن روزها را به چشم ببینیم، باز هم عده‌ای چشمانشان را می‌بندند و نسخه‌ای برای نزدیک شدن و صمیمانه‌تر کردن روابط بین کشورمان با کشورهایی می‌پیچند که مانند گرگ دندان تیز کرده‌اند تا تنمان را پاره کنند و خونمان را در جام‌هایی به اسم برجام و امثالهم بنوشند!

تاریخ به راحتی تکرار می‌شود اگر ما هم چشم ببندیم و اجازه بدهیم عقل و فکر و شعورمان را زائل کنند، آن وقت به راحتی به ریشمان می‌خندند!

انجمن اسلامی دانشگاه الزهرا (س) در صفحات مجازی:

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: معصومه گرمی

سردبیر: مرضیه انبری

هیئت تحریریه: مهدیه دیداری، زهرا نور زاده، مهدیه اسدالهی،

معصومه گرمی، مرضیه انبری

صفحه آرا: مرضیه انبری

@anjoman\_eslami\_alzahra

@anjomanalzahra

شماره تماس: ۰۲۱۸۸۰۴۸۰۲۶

۰۹۰۱۳۸۶۶۴۴۹